

دوشنبه 25 آبان 1405 - 08:43

چرا گاهی توصیه‌های اخلاقی به رفتار تبدیل نمی‌شوند

مدیر گروه تربیت پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی با انتقاد از اینکه تربیت اخلاقی صرفاً با تذکر و توصیه محقق نمی‌شود،...

مدیر گروه تربیت پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی با انتقاد از اینکه تربیت اخلاقی صرفاً با تذکر و توصیه محقق نمی شود، بلکه به رابطه ای امن، الگوهای رفتاری باورپذیر و فرصت تجربه و تمرین فضائل اخلاقی نیاز دارد، گفت: اخلاق زمانی از یک توصیه به انتخابی آگاهانه تبدیل می شود که فرد معنای آن را درک کند و نمود عملی آن را در زندگی ببیند.

«حسن اخلاق» چه نسبتی با دینداری دارد و اسلام چه جایگاهی برای آن قائل شده است؟ آیا در تبلیغ دین به همان اندازه که به ترویج احکام پرداخته ایم، اخلاق دینی را نیز تبلیغ و تشریح کرده ایم؟ بی ادبی ، بدرفتاری، خشونت، تبرج، فخرفروشی، تکبر، تحقیر دیگران و ... در اسلام چه حکمی دارند و آیا اصولاً یک مسلمان می تواند بداخلاق باشد؟
«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ این حدیث شریف، نه یک شعار تبلیغی، بلکه اساسنامه یک مکتب است؛ مکتبی که هدف آن ساختن انسان هایی است که پیش از آنکه در عبادتگاه ها دیده شوند، در رفتار روزمره، در خانه، در بازار و در جامعه شناخته شوند. دین داری بدون اخلاق، به آیینی خشک و بی روح تبدیل می شود و اخلاق بدون پیوند با معنویت، ممکن است به مجموعه ای از قواعد اجتماعی فروکاسته شود. اما در نگاه اسلامی، این دو همچون دو روی یک سکه اند و دینداری اصیل، خود را در اخلاق مداری نشان می دهد.

در دنیای امروز که سرعت زندگی، فشارهای اقتصادی و پیچیدگی روابط اجتماعی، فرصت تأمل و مدارا را از بسیاری گرفته است، بازگشت به این حقیقت که «مسلمان بودن» با «خوش اخلاق بودن» گره خورده است، ضرورتی مضاعف یافته است. از این رو، پرداختن به اخلاق مداری و دینداری در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، نه یک بحث انتزاعی، بلکه یک ضرورت راهبردی برای جامعه مسلمانان است و ایکنا می کوشد در سلسله گزارش هایی ابعاد گوناگون این موضوع را بررسی کند.

در همین خصوص حجت الاسلام و المسلمین محمدجواد فدایی، مدیر گروه تربیت پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی در گفت وگو با ایکنا به سؤالات مربوط به این مبحث پاسخ داد که در ادامه با هم می خوانیم.

ایکنا ـ چگونه می توان میان باورهای دینی و رفتارهای روزمره نسل جوان پیوند عمیق تری برقرار کرد و چه عواملی در تقویت اخلاق مداری در سبک زندگی جوانان نقش دارند؟

گاهی میان باورهای دینی ما و رفتارهای روزمره مان فاصله ای وجود دارد؛ فاصله ای که باید آن را جدی گرفت. البته هنگامی که از اخلاق سخن می گوییم، نباید آن را به خوش رفتاری ظاهری یا رعایت چند ادب اجتماعی محدود کنیم. در نگاه قرآن، نیکی مفهومی گسترده تر دارد. در آیه ۱۷۷ سوره بقره، نیکی در کنار ایمان، انفاق، نماز، زکات، وفای به عهد و صبر قرار گرفته است. به این معنا که انسان اخلاقی کسی نیست که صرفاً در گفت وگو مؤدب باشد، بلکه باید در ارتباط با خداوند، مردم، تعهدات و مسئولیت های خود نیز درست عمل کند.

ممکن است فردی در ظاهر بسیار خوش برخورد باشد، اما هنگامی که پای منافع شخصی به میان می آید، حق دیگری را نادیده بگیرد. در چنین موقعیتی، باید از خود بپرسیم: اخلاق ما تا چه اندازه در رفتار واقعی مان نمود پیدا می کند؟

دینداری اخلاق مدارانه به این معناست که ایمان انسان در رفتار او با دیگران تجلی یابد؛ به ویژه در موقعیت هایی که پای منفعت شخصی، قدرت یا اختلاف نظر در میان است. بنابراین، مسئله صرفاً این نیست که مردم تا چه اندازه از واژه های دینی استفاده می کنند؛ بلکه مهم این است که دین تا چه میزان بر تصمیم ها، روابط و انتخاب های روزمره ما تأثیر گذاشته است.

ایکنا ـ فضای مجازی چه تأثیری بر اخلاق و رفتارهای اجتماعی داشته است؟ آیا این فضا را می توان یکی از عوامل کاهش اخلاق مداری دانست؟

فضای مجازی را نباید به تنهایی عامل کاهش اخلاق دانست. این فضا، هم می تواند زمینه ای برای رشد و یادگیری باشد و هم بستری برای رفتارهای نادرست. اما یک ویژگی مهم دارد: رفتار انسان را سریع تر، گسترده تر و گاهی بی پرده تر در معرض دید

دیگران قرار می دهد.

در فضای حقیقی، ممکن است فرد به دلیل حضور دیگران یا پیامدهای مستقیم رفتار خود، در گفتار و رفتارش ملاحظه کند؛ اما در فضای مجازی، گاهی احساس می کند ناشناس است یا مسئولیت رفتار او کمتر دیده می شود. همین تصور می تواند زمینه بی احترامی، قضاوت شتاب زده، تمسخر و تخریب شخصیت دیگران را فراهم کند.

البته نباید فراموش کنیم که اخلاق در فضای مجازی، ادامه اخلاق در زندگی واقعی است. اگر فردی در مواجهه با اختلاف نظر، تمرین انصاف و احترام نکرده باشد، صرف حضور در یک محیط دیجیتال نمی تواند او را اخلاقی تر کند.

از سوی دیگر، فضای مجازی می تواند فرصت مهمی برای آموزش اخلاق باشد؛ به شرط آنکه به جای توصیه های کلی، درباره موقعیت های واقعی با افراد گفت وگو کنیم. وقتی پیامی را منتشر می کنیم، وقتی درباره کسی قضاوت می کنیم، وقتی با نظر مخالف روبه رو می شویم، چه مسئولیتی داریم؟

فضای مجازی شخصیت انسان را از نو نمی سازد، اما می تواند آنچه را در شخصیت او شکل گرفته، آشکارتر و گسترده تر کند. بنابراین، راه حل اصلی را باید در تقویت مسئولیت پذیری، قدرت تشخیص و تربیت اخلاقی جست وجو کرد؛ نه فقط در محدودکردن ابزارها.

ایکنا ـ چرا برخی فضائل اخلاقی مانند احترام، ادب، تواضع و مسئولیت پذیری برای نسل جدید جذابیت کمتری دارند؟

به نظرم پیش از آنکه بپرسیم چرا این فضائل برای نسل جدید جذاب نیستند، باید از خودمان بپرسیم: ما این فضائل را چگونه معرفی کرده ایم؟ گاهی احترام را به معنای سکوت در برابر بزرگ تر، تواضع را به معنای نادیده گرفتن توانایی های خود و ادب را به معنای نداشتن حق اعتراض معرفی می کنیم. طبیعی است که در چنین تصویری، فضیلت اخلاقی به جای آنکه نشانه رشد شخصیت باشد، شبیه محدود شدن و نادیده گرفته شدن انسان به نظر برسد.

در حالی که احترام، با اطاعت بی چون وچرا یکی نیست؛ تواضع، با ضعف تفاوت دارد. ادب، به معنای کنار گذاشتن نظر و شخصیت خود نیست. از طرف دیگر، نسل جدید در فضایی زندگی می کند که گاهی موفقیت را با دیده شدن، برتری جویی یا رسیدن سریع به خواسته ها پیوند می زند. در چنین شرایطی، اگر ما از مسئولیت پذیری و انصاف سخن بگوییم، اما در رفتار خودمان نمونه روشنی از آن را نشان ندهیم، طبیعی است که سخنمان اثر چندانی نداشته باشد.

فضائل اخلاقی زمانی جذاب می شوند که فرد آثار آنها را در زندگی واقعی ببیند؛ وقتی بفهمد احترام، رابطه ها را عمیق تر می کند؛ مسئولیت پذیری اعتماد می سازد؛ و تواضع به معنای کوچک شدن نیست، بلکه نشانه بزرگی شخصیت است.

ادب یعنی قدرت بیان حرف خود را داشته باشی، اما برای اثبات خودت، شخصیت دیگری را نشکنی. به جای آنکه نسل جدید را به بی اخلاقی متهم کنیم، بهتر است کمک کنیم معنای درست فضائل را کشف کند و فرصت تجربه کردن آنها را در زندگی داشته باشد.

ایکنا ـ با توجه به تغییرات نسلی، چگونه می توان آداب و اخلاق اسلامی را به نسل جدید آموزش داد؟ آیا تذکر و توصیه همچنان مؤثر است؟

تذکر و توصیه لازم است، اما تربیت اخلاقی را نمی توان به تذکر تقلیل داد. گاهی ما آن قدر بر گفتن و یادآوری تأکید می کنیم که فراموش می کنیم فرد باید زمینه ای برای شنیدن، فهمیدن و پذیرفتن داشته باشد. در روایتی از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «رَحِمَ اللهُ عَبْداً أعانَ وَلَدَهُ عَلی بِرّهِ»؛ خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را در نیکو بودن یاری کند. تعبیر روایت بسیار لطیف است: نمی فرماید فرزندش را مجبور کند خوب باشد؛ می فرماید او را در خوب بودن یاری کند.

این نگاه، مسیر تربیت را تغییر می دهد. در یک بیان تربیتی، می توان از چهار گام سخن گفت: احسان، تألف، تعلیم و تأدیب.

گام اول، احسان است؛ یعنی با رفتار درست و محترمانه، زمینه ای فراهم کنیم که فرزند یا نوجوان، خوبی را در عمل ببیند. نمی توانیم از او احترام بخواهیم، اما خودمان با تحقیر و تندی با او رفتار کنیم.

گام دوم، تألف است؛ یعنی رابطه ای صمیمی و قابل اعتماد بسازیم. نوجوان باید احساس کند می تواند حرفش را بزند، پرسش

کند، اشتباه خود را بگوید و از واکنش ما نترسد. رابطه ای که در آن فرد احساس امنیت نکند، معمولاً بستر مناسبی برای پذیرش تربیت نیست.

گام سوم، تعلیم است؛ یعنی آداب و مهارت های اخلاقی را به روشنی آموزش دهیم. گاهی ما انتظار داریم نوجوان خودش بداند چگونه عذرخواهی کند، چگونه با نظر مخالف مواجه شود یا چگونه در یک جمع رفتار کند؛ درحالی که اینها مهارت هایی هستند که باید آموخته شوند. بهتر است آموزش را در موقعیت واقعی و با جمله هایی کوتاه و به موقع انجام دهیم، نه با سخنرانی های طولانی.

و گام چهارم، تأدیب است؛ یعنی کمک کنیم آنچه آموخته، در زندگی اش به رفتار تبدیل شود. تأدیب در این معنا، تحقیر و خشونت نیست؛ بلکه همراهی برای تمرین و تثبیت رفتار درست است.

البته این مراحل را نباید مانند یک دستورالعمل خشک و خطی فهمید. نکته مهم این است که تربیت اخلاقی، از رابطه و الگو آغاز می شود، با آموزش روشن و در تجربه و تمرین به رفتار تبدیل می شود. نمی توانیم انسان دیگری را به خوب بودن مجبور کنیم؛ اما می توانیم راه خوب شدن را برای او هموار کنیم. این تفاوت مهمی است میان تربیت و تحمیل.

شاید امروز بیش از هر زمان دیگری لازم است به این نکته توجه کنیم که نوجوانان و جوانان، فقط به شنیدن توصیه های اخلاقی نیاز ندارند؛ آنها به رابطه ای امن، الگوهایی باورپذیر و فرصت هایی واقعی برای تمرین اخلاق نیازمندند. تربیت، بیش از آنکه هنر تذکردادن باشد، هنر ساختن رابطه ای است که در آن، حرف درست شنیده و پذیرفته شود.

اگر بخواهیم اخلاق را در زندگی نسل جدید زنده تر کنیم، باید از خودمان آغاز کنیم. اخلاق زمانی از یک توصیه به یک انتخاب تبدیل می شود که انسان، خوبی را بفهمد، در رابطه ای امن آن را تجربه کند و فرصت داشته باشد با اختیار خود، آن را در زندگی به کار ببندد. دینداری اخلاق مدارانه، همین پیوند زنده میان ایمان، انتخاب و رفتار است.